

نگاهی به شخصیت مفضل بن عمر

□ الهام قاسمی

مفضل بن عمر یکی از شخصیتهای برجسته حدیثی و از شاگردان خاص امام صادق علیه السلام است. او در اواخر قرن اول (در زمان امام باقر علیه السلام) در کوفه متولد شد و در اواخر قرن دوم (اوایل حکومت عباسی) در سن ۸۰ سالگی از دنیا رفت.^(۱)

هرچند مفضل محضر چهار تن از ائمه (امام باقر، امام صادق، امام کاظم و امام رضا) را درک کرده است، با وجود این اکثر علمای علم رجال بجز شیخ طوسی، او را فقط از اصحاب امام صادق علیه السلام به شمار آورده‌اند.

درباره نام و القاب مفضل، برخی بر این باورند که او «مفضل بن عمر الجعفی الکوفی» نام دارد. عده‌ای نیز او را ملقب به «ابا عبدالله» می‌دانند. برقی هم معتقد است نام او «مفضل بن عمر الجعفی مولی کوفی» است.^(۲)

توحید مفضل

تنها اثری که از مفضل به جامانده است، کتابی است در مورد خلقت انسان و جهان و اثبات وجود باری تعالی و علم و قدرت و حکمت او که امام صادق در چهار جلسه آن را به مفضل املا کرده است.^(۳)

۱- نورالله علیدوست خراسانی، پرتوی از زندگانی امام صادق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۴

و ۲۴۵ به نقل از امالی صدوق.

۲- ابوالقاسم موسوی خویی، معجم الرجال الحديث، تهران: مرکز نشر الثقافیه الاسلامیه، ۱۳۱۴ق، ج ۱۹، ص ۳۱۸.

۳- علیدوست، ص ۲۴۵.

این کتاب به نامهای مختلفی انتشار یافته است. نجاشی آن را «کتاب الفکر» و علی بن طاووس آن را «کشف المحجبه» نامیده است و بعضی نیز آن را «کنز الحقایق والمعارف» خوانده اند. علامه مجلسی این کتاب را به فارسی برگردانده است. علاوه بر این شرحهایی هم بر این کتاب نگاشته شده است که از آن جمله شرح مولی باقر بن المولی اسماعیل الواعظ الکجوری الطهرانی که در آخر کتاب «الخصائص الفاطمیه» به چاپ رسیده است و شرح فارسی مبسوطی از مولی الفاضل المستبصر فخرالدین الماوراء النهری قابل ذکر است.^(۱)

علت نگارش این کتاب

مفضل می‌گوید روزی در مسجد النبی (ص) نشسته بودم. ابن ابی العوجاء و عده‌ای از دوستانش - که همگی از زناده و ملحدین آن زمان بودند - نیز آنجا حضور داشتند و راجع به پیامبر صحبت می‌کردند... تا صحبت بدانجا رسید که گفتند: جهان خلقت مدبری ندارد. من بسیار متأثر و برآشفته شدم. با همان حال نزد امام صادق علیه السلام رفتم. امام وقتی مرا به آن حال دید از علت امر جویا شد. من نیز آنچه رخ داده بود برای آن حضرت شرح دادم. حضرت به من فرمود: فردا صبح نزد من بیا. فردا صبح طبق وعده نزد او رفتم. امام شروع به صحبت کرد. عرض کردم: اجازه می‌دهید فرمایشهایتان را بنویسم آن حضرت اجازه فرمود (ادامه حکایت...).^(۲)

متن این کتاب علاوه بر اینکه بارها بطور مستقل به چاپ رسیده است، در «بحار الانوار»^(۳) نیز همراه با بیان علت املاي آن از سوی امام آمده است. گفتنی است که مفضل علاوه بر «کتاب توحید»، احادیث فراوانی (حدود ۴۰۰ حدیث) هم روایت کرده است که اکثر آنها بدون واسطه از امام صادق علیه السلام نقل شده است. این احادیث دارای مضامین متفاوتی هستند.

اساتید و شاگردان مفضل بن عمر

اکثر احادیثی که از مفضل روایت شده، از طریق محمد بن سنان بوده است. در برخی موارد نیز محمد بن کثیر ثقفی از مفضل روایاتی را نقل کرده است. این امر نشانگر آن

۱- آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة. تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۶۰ ق، ج ۴، ص ۴۸۲؛ احمد بن علی

النجاشی، رجال النجاشی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۳۵۹ و خویی، ج ۱۹، ص ۳۱۷.

۲- محمد الخلیلی، من امالی الامام الصادق (ع)، بیروت: مؤسسة الاعلمی المطبوعات، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۱۲ و علی دوست، ص ۲۴۶.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۵۷.

است که محمد بن سنان و محمد بن کثیر ثقفی هر دو از شاگردان مفضل بن عمر بوده‌اند. شیخ طوسی نیز فقط از محمد بن سنان به عنوان شاگرد مفضل بن عمر یاد کرده است.^(۱) دیگر آنکه احادیثی که در کتب متعدد^(۲) از مفضل نقل شده، همگی از امام صادق علیه السلام است و واسطه‌ای در کار نیست. این مطلب گویای آن است که مفضل شخصاً محضر امام صادق علیه السلام را درک کرده و از شاگردان آن حضرت بوده است.

نظرات درباره مفضل بن عمر

در خصوص مفضل نظرات گوناگونی ابراز شده است. عده‌ای در «ذم» او و گروهی در «مدح» او سخن گفته‌اند که در ادامه به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

الف: اقوال و نظرات در رد مفضل بن عمر

۱ - کشی می‌گوید: راجع به مفضل احادیثی در «ذم و برائت» از او آمده است. بعضی می‌گویند که او خطابی است و رجوع کرده و نماز صبحش را عمداً ترک کرده است و مردم از او و یارانش دوری می‌کرده‌اند و اصحاب او شراب می‌نوشیدند و خارج از طریق هستند.^(۳)

از سخن کشی این طور برمی‌آید که مفضل ابتدا در مسیر صحیح بوده و بعد خطابی شده است. اما براین نظر کشی دلیل و گواه معتبری وجود ندارد.^(۴)

۲ - نجاشی می‌گوید: مفضل بن عمر را «ابو محمد جعفی» نیز نامیده‌اند و او کوفی است و فاسد المذهب و مضطرب الروایه است. سپس به کتاب او (توحید مفضل) اشاره و آن را معرفی می‌کند.^(۵)

لیکن معرفی کتاب مفضل توسط نجاشی خود نشانه روشنی بر این موضوع است که او از خواص اصحاب امام و مورد توجه آن حضرت بوده است.^(۶)

۳ - شیخ طوسی درباره او می‌گوید: مفضل بن عمر و محمد بن سنان هر دو مورد طعن و سرزنش هستند و جداً ضعیف هستند. اما آقای خویی نظر شیخ طوسی را نشانه

۱- محمد بن الحسن الطوسی. النهرست. نشر الفاهة، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۱.

۲- مجلسی ج ۳، ص ۳۹۷؛ ج ۳۹، ص ۱۳۰؛ ج ۴۵، ص ۹۱۲؛ ج ۴۸، ص ۱۱۶؛ ج ۵۲، ص ۴۰۴ و ج ۸۷، ص ۲۸۱.

۳- سید محسن امین. اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف المطبوعات، ۱۴۲۰ق، ج ۱۴، ص ۴۷۶.

۴- خویی ج ۱۹، ص ۳۲۹.

۵- نجاشی ج ۲، ص ۳۱۷؛ خویی ج ۱۹، ص ۳۱۷ و امین ج ۱، ص ۴۷۶.

۶- خویی ج ۱۹، ص ۳۲۹.

واضحی بر قابل اطمینان بودن مفضل می‌داند و او را غیر مطعون علیه معرفی می‌کند.^(۱)

۴ - نصرین صباح، محمد بن حسن شمون و بشیر النبال می‌گویند که مفضل بن عمر غالی بوده است و از بزرگان طریقت آنان به شمار می‌رفته است.^(۲)

۵ - ابن غضائری معتقد است که مفضل بن عمر مرتفع القول و خطابی و از غلات است و او اجازه کتابت و نقل حدیث نداشته است.^(۳)

بررسی کتاب مفضل و احادیث دیگری که در کتب حدیثی از جمله بحار الانوار آمده است، نشان دهنده عدم صحت این سخنان است. از سوی دیگر احادیثی که از امام صادق وارد شده است در خصوص ارجاع مردم به مفضل، کاملاً این ادعا را رد می‌کند.

۶ - از جبرئیل احمد نقل شده است که او از محمد بن عیسی و او از یونس و یونس از حماد بن عثمان نقل کرده است که او کافر یا مشرک است و او خطابی بوده است، اما مجدداً رجوع کرده است.^(۴)

۷ - حسین بن علی بن دارقمی از سعد بن عبدالله از ابی خلف القمی از محمد بن حسین بن ابی خطاب از حسن بن موسی از صفوان بن یحیی از عبدالله بن سکان نقل کرده‌اند که حجر بن زائده و عامر بن جذاعة الازدی بر ابی عبدالله وارد شدند و گفتند: ای به فدای تو! مفضل بن عمر می‌گوید: شما به ارتزاق بندگان قادرید. امام در جواب فرمودند: به خدا هیچ کس قادر به ارزاق نیست جز خدا، و ما برای روزی خانواده خود به او احتیاج داریم.^(۵)

این حدیث یکی از اشتباهات مفضل را بیان می‌کند که از این طریق وثاقت او را زیر سؤال می‌برد.

ب - اقوال و نظرات در تأیید مفضل بن عمر
در مقابل اقوال و نظراتی که در ذم مفضل به آنها اشاره شد، اقوال و احادیث بسیاری نیز در مدح مفضل وارد شده است. از جمله شیخ مفید،^(۶) علامه شوشتری،^(۷) علامه

۱ - همان، ص ۳۱۸.

۲ - محمد تقی شوشتری، قاموس الرجال، قم: مطبعة العلمیة، ۱۳۸۸ق، ج ۹، ص ۹۳.

۳ - همان، ص ۳۲۳.

۴ - خویی، ج ۱۹، ص ۳۱۸.

۵ - خویی، ج ۱۹، ص ۳۱۸.

۶ - همان.

۷ - شوشتری، ج ۹، ص ۹۳.

مظفر،^(۱) آقای خوبی،^(۲) صاحب کتاب اعیان الشیعه^(۳) و همچنین صاحب کتاب مستدرکات^(۴) همگی مفضل را از یاران خاص امام صادق علیه السلام می دانند و او را جزء شیوخ یاران امام صادق علیه السلام و از بطانة و ثقاة و از بزرگان فقهاء می دانند.

علامه مظفر هم معتقد است که مفضل بن عمر، فضل و شایستگی و تقوای در دین دارد و او وکیل امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) بوده است.^(۵)

در ذیل به برخی احادیث و اقوالی که در تایید مفضل گفته شده است اشاره می شود:

۱- محمد بن مسعود از اسحاق بن محمد البصری از محمد بن الحسین از محمد بن سنان از بشیر الدهان نقل می کند که محمد بن کثیر ثقفی درباره مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پرسید که درباره او (مفضل) چه می گوید. امام فرمودند: چه می توانم درباره او بگویم در حالیکه می بینم در گردن او صلیبی است و بر سینه او جراحتی است. در حالیکه می دانم او بر حق است؛ بعد از اینکه آنچه را که درباره او می گویند شنیدم. پس خدا حجر بن زائدة و عامر بن جزاعة را پیامرزد که نزد من مفضل را شمات می کنند و به آنها گفتم که چنین نکنند ولی آنها گوش نکردند. اما اگر می بینید که من هنوز ایشان را گرامی می دارم به این دلیل است که آنها حضرت علی علیه السلام را تکریم می کنند و در دوستی من می کوشند.^(۶)

این حدیث نشان دهنده این نکته است که صحبت های ضد و نقیض در مورد مفضل فراوان بوده است تا جایی که حتی برخی صحبت های خود را در ذم مفضل به گوش امام می رسانند. اما همانطور که در حدیث نیز آمده است، امام نه تنها با آنان موافق نبود، بلکه بخاطر نظراتشان برای آنها طلب آمرزش کرده است.

به نظر می رسد که منظور امام از صلیب در گردن و زخم در سینه مفضل، تهمت ها و حرف های ضد و نقیضی است که دیگران راجع به او به زبان می آوردند.

خود مفضل نیز در صحبت هایش به این مسأله که مردم به او بی احترامی می کنند اشاره می کند و می گوید: من در مدینه و نزد امام صادق علیه السلام بودم. پس از بازگشت به کوفه، مردم

۱- محمد حسن مظفر، الامام الصادق، قم: نشر اسلامی، ۱۴۲۱ق.

۲- خوبی، ج ۱۹، ص ۳۳۰.

۳- امین، ج ۱۴، ص ۴۷۶.

۴- علی نمازی شاهرودی، مستدرکات علم الرجال الحديث، تهران: ابن مؤلف، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۴۷۷.

۵- مظفر، ج ۱، ص ۱۶۹.

۶- شوشتری، ج ۹، ص ۹۵، خوبی، ج ۱۹، ص ۳۲۰ و نمازی شاهرودی، ج ۷، ص ۴۷۶.

کوفه به من بی احترامی و بی توجهی کردند و جامه‌ام را دریدند پشت سرم بد گفتند و آبرویم را بردند؛ تا آنجا که برخی پیش رویم گستاخی کردند و بر من هجوم آوردند و برخی میان کوچه‌های کوفه کمین کردند و می‌خواستند مرا کتک بزنند و هر تهمتی بر من زدند. اما هنگامی که دو سال بعد نزد امام صادق علیه السلام برگشتم، امام فرمودند: آنان که با تو چنین کردند، از شیعیان ما محسوب نمی‌شوند و اگر من ترس آن را نداشتم که مایه شهرت تو شود به تو می‌گفتم که به خانه‌ات روی و در به روی آنها نگشایی.^(۱)

۲- از ابوحنیفه نقل شده است که من و سابق الحاج بر سر مسأله‌ای در میراث اختلاف پیدا کردیم و کارمان به مشاجره کشید و عده‌ای دور ما جمع شدند. مفضل گفت به منزل من آید. پس به ما چهارصد درهم داد تا مشکل و اختلاف ما حل شد. او گفت: این مال نزد من است ولی متعلق به من نیست. ابو عبدالله علیه السلام این مال را نزد من گذاشته است تا اگر در بین اصحابش اختلافی رخ داد، از آن مال به آنها بدهم تا اختلافشان رفع شود.^(۲) از این حدیث می‌توان دریافت که مفضل تا چه اندازه مورد اعتماد امام صادق علیه السلام بوده است.

۳- نصر بن صباح از ابن ابی عمیر نقل می‌کند که عده‌ای از ابو عبدالله علیه السلام پرسیدند: شخصی را در امر دین به ما معرفی کن که اگر به احکامی احتیاج پیدا کردیم به او مراجعه کنیم؟ حضرت فرمودند به من مراجعه کنید و از من بشنوید. گفتند: ناگزیریم از اینکه به شما مراجعه کنیم. حضرت فرمودند: پس به مفضل بن عمر مراجعه کنید و از او بشنوید و از او قبول کنید؛ زیرا که او چیزی جز حق درباره خدا و علی علیه السلام نمی‌گوید و به چیزهایی که مردم درباره او می‌گویند و به او و یارانش تهمت می‌زنند که نماز نمی‌خوانند و شراب می‌نوشند و از طریق مستقیم خارج شده‌اند، توجهی نکنید.^(۳)

۴- شیخ مفید به سند صحیح از عبدالله بن فضل هاشمی روایت می‌کند که نزد جعفر بن محمد الصادق علیه السلام نشسته بودم. در این هنگام مفضل بن عمر وارد شد و امام به او نگاه کرد، لبخند زد و به او گفت: مفضل نزد من بیا که به خداوند من تو را دوست دارم و هر که تو را دوست بدارد نیز دوست دارم.^(۴) این حدیث نشان از محبت امام به مفضل و همچنین مرتبه عالی مفضل در نزد امام صادق علیه السلام دارد.

۱- حسین بن شعبه الحارثی، تحف العقول ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: اسلامی، ۱۳۶۶، ص ۵۵۵-۵۵۴.

۲- شوشتری ج ۹، ص ۹۴ و ج ۱۹، ص ۳۲۰. ۳- شوشتری ج ۹، ص ۹۸ و خویی ج ۹، ص ۳۲۱.

۴- خویی ج ۱۹، ص ۳۲۸.

۵- علی بن محمد از سلمه بن خطاب از علی بن حسان از موسی بن بکر نقل می‌کند که من مدتی در خدمت امام کاظم علیه السلام بودم و در طی این مدت ندیدم چیزی (وجوهات شرعی) به خدمت امام برسد، مگر از جانب مفضل و اگر مردم چیزی نزد آن حضرت می‌آوردند، ایشان قبول نمی‌کردند و می‌گفتند که آن را به مفضل بدهید.^(۱)

علاوه بر احادیث فوق که نشان از جایگاه مفضل نزد ائمه معصومین (علیهم السلام) و برخورداری مفضل از محبت خاصه آن بزرگواران دارد، احادیثی هم از امام رضا علیه السلام روایت شده است که حکایت از جایگاه خاص او نزد ائمه دارد.

۶- محمد بن مسعود از عبدالله بن خلف از علی بن حسان الواسطی از موسی بن بکر نقل می‌کند که از ابوالحسن علی بن موسی علیه السلام شنیدم که در هنگام مرگ مفضل فرمود: خدا او را پشت در پشت رحمت کند که او مایه آرامش من بود.^(۲)

همچنین بارها و بارها ابوالحسن در جمع شیعیان از مفضل یاد کرده و می‌فرمودند: خدا مفضل بن عمر را رحمت کند.

با توجه به متن و سند صحیح احادیث مدح مفضل بن عمر و همچنین ضعف در سند احادیث ذم مفضل و همینطور سست پایگی نظراتی که در ذم مفضل نقل شده است، به روشنی می‌توان دریافت که مفضل تا چه اندازه مورد توجه و عنایت امامان شیعه بوده است و تا چه اندازه ائمه (علیهم السلام) به او اطمینان داشته‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- شوشتری ج ۹، ص ۹۶.

۲- شوشتری ج ۹، ص ۹۸؛ مجلسی ج ۴۸، ص ۱۶؛ خویی ج ۱۹، ص ۳۱۹ و نمازی شاهرودی ج ۷، ص ۴۷۷.

فهرست منابع

۱. امین، سید محسن. اعیان الشیعه. پنجم. بیروت: دارالتعارف. ۱۴۲۰ ق، ۱۵ ج.
۲. مظفر، محمد حسن. امام الصادق (ع). دوم. قم: نشر اسلامی. ۱۴۲۱ ق، ۳ ج.
۳. حیدر، اسد. الامام الصادق (ع) والمذاهب الاربعه. دوم. بیروت: دارالکتاب، ۱۳۹۲ ق، ۳ ج.
۴. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ۱۱۰ ج.
۵. علیدوست خراسانی، نورالله. پرتوی از زندگانی امام صادق (ع). دوم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۶. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان. تاریخ الاسلام ذهبی. بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۱۴ ق، ۵۱ ج.
۷. حسین بن شعبه الحرانی. تحف العقول. ترجمه محمد باقر کمره ای. تهران: اسلامی، ۱۳۶۶.
۸. مزنی، جمال الدین أبو الحجاج یوسف. تهذیب الکمال. سوم. بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ ق، ۳۵ ج.
۹. طهرانی، آقابزرگ. الذریعه. تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۶۰ ق، ۲۵ ج.
۱۰. برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد. رجال. تحقیق: محمد جواد قیومی. قم: موسسه قیوم، ۱۴۱۹ ق.
۱۱. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی. رجال. بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۸ ق، ۲ ج.
۱۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. رجال. نجف: مطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ ق.
۱۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان. سیر اعلام النبلاء. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ ق، ۱۷ ج.
۱۴. مجلسی، محمد باقر. فهرس البحار الانوار. بیروت: مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۲ ق، ۹ ج.
۱۵. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. الفهرست. نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. شوشتری، محمد تقی. قاموس الرجال. دوم. قم: مطبعة العلمیه، ۱۳۸۸ ق.
۱۷. تقی الدین حسن بن علی. الرجال. نجف: مطبعة الحیدریه، ۱۳۹۲ ق.
۱۸. نمازی شاهرودی، علی. مستدرکات علم الرجال. تهران: ابن المؤلف، ۱۴۱۵ ق، ۸ ج.
۱۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم. معجم الرجال الحدیث. پنجم. تهران: مرکز نشر الثقافیه الاسلامیه، ۱۳۱۴ ق، ۲۷ ج.
۲۰. خلیلی، محمد. من امالی الامام الصادق (ع). چهارم. بیروت: مؤسسة اعلمی المطبوعات، ۱۴۰۴ ق، ۴ ج.